بسم الله الرحمن الرحیم

گزارش مباحثه ی اول
الحمدلله اولین جلسه ی مباحثه، پیرامون **سوره ی مبارکه فلق** با حضور دوستان به خوبی برگزار شد، ان شاالله که نتایج حاصل از آن نیز برایمان پر برکت باشد.

به عنوان حسن ختام مباحثه، متن زیر حاصل جمع آوری نظرات شما عزیزان، پیرامون سوالات مطرح شده است که تقدیمتان می شود

موضوع سوالات مطرح شده در ارتباط با **"حرکتی رو به جلو و هدفمند و یا با توجه به موضوعات اخیر عزم ملی"**  بود که توسط نظرات دوستان با تمسک به **سوره مبارکه فلق**  مورد بحث قرار گرفت.

**بسم رب الفلق**

اگر فرد و یا جامعه ای بخواهد حرکتی رو به جلو داشته باشه، برای شروع حرکت به چند مورد نیازمند است:

* هدفی که به سمت آن حرکت بکند
* داشتن امید و انگیزه برای رسیدن به آن هدف
* رهبری شایسته،راهنما،شاهد و طارق
* شناسایی مشکلات و موانع و ابزارهای در دسترس برای رسیدن به آن هدف

و اگراین حرکت رو به جلو و هدفمند بخواهد به حالت گروهی و در بعد جامعه تحقق یابد نیازمند آن است که **هر فرد آن جامعه در نقش تعریف شده ی خود، درست قرارگرفته باشد و به وظایف خود عمل بکند** و بهترین کار را در جایگاه خود انجام دهد و بداند که مهم تر از سطح جایگاه فردی اش ، پیوستن به جریان و حرکت حق است....

اما در هر حرکتی **موانعی** وجود دارد، و ازموانع یک حرکت توحیدی با توجه به سوره مبارکه فلق می توان از شرهای به خصوصی نام برد که در سوره به آنها اهمیت داده شده است :  **"شر ما خلق ، و شر غاسق اذا وقب ، شر النفاسات فی العقد ، و شر حاسد اذا حسد" .**

پس **باید این موانع را شناخت و لوازم عبور از آنها را ایجاد کرد** تا بتوان رفتار صحیح را در زمان ها و مکان های متفاوت داشته  و درگیر اینگونه شرها نشده تا بتوانیم همواره وظایف خود را انجام داده و در این مسیر **از حرکت باز نایستیم** و از آنجا که بیان این آیات نشانگر اهمیت **"دقت در عمل "** است باید دقت در عمل را چه در حیطه ی کیفی و چه در حیطه ی کمی تقویت کرد.

***ما زنده به آنیم که آرام نگیریم........موجیم که آسودگی ما عدم ماست***

اما بالاتر از همه ی این شرها ، شر موجود در آیه ی اول می باشد. اینکه ما شرها را به خوبی بشناسیم اما پناهگاه رهایی از شرها را نشناسیم و یا اصلا به آن پناهنده نشویم، در واقع صورت مسئله را که همان آیه اول است پاک کرده ایم، که خود آن شری است بزرگ تر، که یکی از درمان های آن همان داشتن ایمان است...

حتی قل اول آیه اول سوره نیز به اهمیت همین موضوع اشاره داردو اینکه**" قل اعوذ برب الفلق"**  مقدم بر سایر شرها بیان شده است نیز تاکیدی است بر موضوع.

و باید در استفاده از خود و سایر مخلوقین( به طور مطلق) که دارای شر ( شر به طور مطلق) اند به طور مستقل عمل نکنیم و در واقع در این مسیر و مصیر بایستی به وجود بدون شر( خالق، رب) پناه ببریم.

لازم است که گفته شود ، مخلوقین شری ندارند و اینکه انسان در معرض **شر ما خلق** است به این معناست که باید در ارتباط با خلق، به درستی و طبق معیار عقل و شرع عمل کند وگرفتار شر حاصل از عوارض آن نشود و اگر **شر ما حسد** را ذکر می کند یعنی همان مراقبت به هنگام هم نشینی و اثر هم نشینی است.

شرهای متفاوتی در مسیر حرکت انسان وجود دارد، به همین خاطر باید به کسی پناه برد که دفع همه ی این شرها را پوشش دهد (قل اعوذ برب الفلق )

وقتی به "پناه بردن" اشاره می شود ، دو مفهوم **احساس خطر و ضعف** هم در آن نهفته است. یعنی اینکه انسان هرآن و هر لحظه  باید برای بودن در نقش خود، احساس خطر انحراف و ضعف از کمی ها کاستی هایش را هم داشته باشد و حال در این حالت است که باید همواره به "رب فلق" پناه ببرد ، چراکه واژه فلق که به معنای**" شکافته شدن چیزی و آشکار شدن چیزی جدید"** است نوعی حرکت را در خود بیان می کند که اگر فلق را به معنای مشهورش یعنی سپیده دم در نظر بگیریم یعنی شکافته شدن تاریکی و ظهور روشنایی.... یعنی **شکافتن همه ی تاریکی های جامعه که در این سوره به« شر ماخلق »و« غاسق اذا وقب »و« نفاثات فی العقد » و حسد اشاره شده است و دور شدن از آنها و حرکت به سمت نور که رب الفلق است** و این فلق شناسی  است که باعث تنظیم حرکت به سمت جلو می شود .

 اینها متناسب است با نام "رب" گفته شده در این سوره ، چراکه واژه ی رب که به معنای موثر و سوق دهنده ی به سمت کمال است ، دوری از نقص را در معنای خود جا داده است و می دانیم که این مشکلات از نقص ما آدم هاست.

اما **"قل"** در ابتدای سوره تاکیدی است بر **اثر "گفتن و ابراز کردن" یعنی همان بعد اجتماعی قضیه** و از آنجا که قل به معنی ابراز است، بنابراین حرکت به جلو فردی کافی نیست ولازم است دیگران هم ترغیب شوند و این می شود همان **عزم ملی**....

و گاه برای آنکه حرکتی رخ دهد ، نیاز است که انسان ها **استعدادها و توانایی های نعمت داده شده** به خود را بشناسند تا بتوانند در این مسیر از آنها استفاده کنند  و حرکت کنند و گاهی برای اجرای آن نیاز به **آرامشی** است که در آن جامعه حاکم باشد و این آرامش ایجاد نمی شود مگر با شناخت خدایی که هر لحظه ضامن ماست.

مسئله ی مهمی که وجود دارد این است که در یک حرکت اجتماعی، **"امید"**نیروی محرکه ای اساسی است و می دانیم که شکست یک ملت، هنگامی است که آن ملت باور کند که کاری را نمی تواند انجام دهد و این یعنی همان "نا امیدی" مذموم شده.

 و دراین سوره نیز، **خداوند برای تحرک جامعه ، درهای امید را به روی بشر گشوده است**

**امیدی چون بودن خدایی که بر همه چیز فایق هست ....**

**امیدی چون امکان پناه بردن به او از شر هر آنچه که هست** ، چراکه وقتی به عمق معانی سوره پی می بریم متوجه می شویم که : **هیچ موثری درعالم به غیر از خداوند وجود ندارد....**

و **این "امید" است که در معنای نام فلق پروردگار نهفته است**. رب فلق آنقدر بزرگتر از شرها و مشکلات در پس آن است که قابلیت پناهندگی دارد و برای رهایی ازهمه شر های مافوق تصورمان بایستی به ربی مافوق تصور مافوق تصورمان پناه ببریم وگرنه حالت ایستایی و ناامیدی ازرها نشدن گریبان آدمی را می گیرد که بسیارخطرناک است...

چیزی که حس می شود، نیاز به **وجود مرجع، رهبر و اولوالالبابی** است که این جریانات را رهبری کند و نماینده رب بر جامعه باشد تا مردم به سمت کمال سوق یابند..

و نکته ای که می شود در اینجا گفت آن است که **یکی از مصادیق و راه های پناه بردن، اطاعت و پیروی از فرامین رهبر جامعه ی اسلامی است.**

**و من الله توفیق....**

**ششم فروردین ماه سال هزار و سیصد و نود و سه**

**سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی.**